

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۲

سناریوهائی که پس از کشتن مهسا؛

برای حدیث، حنانه، غزاله، نیکا، سارنا و... ساختند!

حکومت اسلامی ایران، در کلیت خود یک حکومت متجاوز و شهوت پرست و پول پرست و فاسد، مافیایی و جانی است. رفتار حکومت اسلامی با شهروندان ایران، نه یک رفتار سیاسی حتی شبه دولت، بلکه تمام رفتار مافیایی، تجاوزگرانه، تروریستی، غارتگری و در یک کلام تخریب و ویرانی است. همه عناصر سیاسی و نظامی و قضایی حکومت اسلامی، طوری آموزش دیده اند که به راحتی آبخوردن آدم می کشند؛ به دختران و زنان بی دفاع مردم تجاوز می کنند؛ آن ها را زندانی و شکنجه و اعدام می کنند؛ در خیابان ها به هر کسی که خواه کودک و مسن باشد و چه جوان و چه دختر و پسر باشد مستقیماً و با هدف کشتن تیراندازی می کنند و می کشند. چنین هیولایی خون خوار و وحشی همچون حکومت اسلامی را نه می توان رام کرد و نه می توان خصلت آدم خواریش را تغییر داد و تنها و تنها باید موجودیت آن را از بین برد و ریشه کن کرد.

همه سران و مقامات و نهادهای سیاسی و نظامی و قضایی حکومت اسلامی، علاوه بر همه جنایت هایشان علیه بشریت، همه غارتگرند و هم همواره در مورد هر موضوع کوچک و بزرگ، بی شرمانه و وقیحانه یک مشت دروغ تحویل جامعه می دهند. این حکومت در این بیش از چهار دهه، آن قدر دروغ تحویل مردم داده اند که اگر امروز حتی یک حرف راست بگویند هیچ کس باور نخواهد کرد.



جان باختن ده ها جوان و زخمی شدن و دستگیری صدها تن نوجوان و کودک طی بیش از سه هفته اعتراض های خیابانی، به کارنامه سرآپا خونین حکومت اسلامی نیز افزوده شده است. در خیابان های شهرهای مختلف کشور، از کودکان دو تا

۱۲ ساله با شلیک ماموران حکومت کشته شده‌اند و شهرهای مختلف ایران، نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ای یا در خیابان جان باخته‌اند یا پس از بازداشت، در زندان‌ها جان‌شان را از دست داده‌اند.

در آستانه «روز جهانی کودکان دختر»، هزاران دختر نوجوان در ایران برای دستیابی به طبیعی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی خود مانند نوع پوشش، آزادی فردی و جمعی، در خیابان‌ها هدف حمله ماموران امنیتی قرار می‌گیرند و کشته، زخمی یا دستگیر می‌شوند.

در تقویم جهانی، یازدهم اکتبر-۱۹ مهر، «روز جهانی کودکان دختر» نامگذاری شده است. هدف از نامگذاری این روز پرداختن به اهمیت توانمندسازی دختران، مبارزه با نابرابری‌های جنسیتی، توجه به حقوق دختران و پرداختن به چالش‌های پیش روی آنان است. سازمان ملل متحد می‌گوید دختران در سراسر جهان با چالش‌های بسیاری در زمینه آموزش، حقوق برابر، سلامت جسمی و روانی و زندگی بدون خشونت مواجه‌اند. این سازمان از دولت‌ها می‌خواهد که در برابر دختران پاسخگو باشند و سرمایه‌گذاری برای آینده را با تمرکز بر عاملیت، رهبری و پتانسیل آن‌ها انجام دهند. «روز کودک» در حکومت اسلامی در حالی پشت سر گذاشته شد که طی سرکوب اعتراضات سراسری در ایران، دستکم ۱۹ کودک و نوجوان توسط ماموران امنیتی و یگان ویژه کشته شده‌اند و شمار نامعلومی نیز در بازداشت به‌سر می‌برند.

شانزدهم مهرماه در تقویم حکومت اسلامی از سال ۱۳۷۲ «روز کودک» نامگذاری شده تا با وجود همه محدودیت‌ها و نبود قوانین حمایت‌گراانه از حقوق کودکان و نوجوانان، دستکم یک روز به صورت نمادین، روز این گروه از جامعه به‌عنوان «آینده کشور» باشد.

امسال روز کودک در شرایطی پشت سر گذاشته شد که ایران یکی از سیامترین روزهای خود را در حفظ و حراست از حقوق کودکان می‌گذراند و جان کودکان و نوجوانان در تهدید مستقیم رژیم ایران قرار گرفته است. در چهارمین هفته از اعتراضات سراسری در ایران، با وجود مخاطره‌آمیز بودن اطلاع‌رسانی، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری حاکی از کشتار کودکان توسط مأموران امنیتی با استفاده از ابزارآلات جنگی دارد.

این در حالی‌ست که کودکان و نوجوانان جسور نسل‌های امروز در نقشی استثنائی و هدایت‌کننده اعتراضات ظاهر شده و به همین دلیل اعتراضات در ایران برای آزادی و حقوق مردم روی آن‌ها متمرکز شده است. کمتر نسلی از کودکان زیر ۱۸ سال در ایران وجود داشته که تنها در چند روز شاهد بازداشت، تهدید و قتل هم سن و سالان خود بوده باشد. آن‌هم به خاطر حقوقی که به‌عنوان حقوق اولیه و طبیعی به رسمیت شناخته شده است.

آگاهی به حقوق دختران و مبارزه با نابرابری‌های جنسیتی اکنون به موضوعی جهانی تبدیل شده است و بسیاری از کشورهای جهان می‌کوشند همسو با اهداف سند توسعه پایدار سازمان ملل متحد، برابری‌های جنسیتی را در جوامع خود نهادینه کنند؛ اما درست در همین شرایط، میلیون‌ها دختر زیر ۱۸ سال در ایران در معرض عمیق‌ترین و شدیدترین نابرابری‌ها و خشونت‌های جنسیتی قرار دارند و حتی نمی‌توانند نوع پوشش خود را انتخاب کنند.

پس از کشته شدن مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله اهل سقز در بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی تهران، بسیاری از مردم به خیابان‌ها آمدند تا به حجاب اجباری اعتراض کنند. جمعیت بی‌شماری از معترضان را دختران جوان و نوجوانی تشکیل می‌دادند که از حجاب اجباری به ستوه آمده بودند. حرکت نمادین به آتش انداختن روسری‌ها خشم دختران را از حکومتی نشان می‌داد که سال‌ها است حق انتخاب آنان را نادیده می‌گیرد.

حکومت ایران نه تنها به مطالبات دختران پاسخ روشنی نداد، بلکه با دستگیری گسترده، شکنجه، ضرب و جرح و کشتار آنان سعی کرد آتش اعتراض‌ها را خاموش کند. نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده، حنا کیا و حدیث نجفی از

جمله دختران نوجوان و جوانی بودند که در جریان اعتراض‌های سراسری مردم به جرم مخالفت با حجاب اجباری به دست ماموران حکومتی کشته شدند.

با این حال کشتار و شکنجه دختران نه تنها اعتراض‌های مردمی را پایان نداد، بلکه آتش آن را شعله‌ورتر کرد تا آنجا که برای نخستین بار در طول عمر حکومت اسلامی ایران، اعتراض‌های سراسری به مدارس دخترانه رسید. در روزهای گذشته دانش‌آموزان بسیاری از مدارس دخترانه در نقاط مختلف ایران با درآوردن مقنعه‌های خود، در خیابان‌ها شعارهایی علیه حکومت ایران و شخص رهبر حکومت اسلامی ایران سر دادند.

حکومت ایران اعتراض دانش‌آموزان را هم تاب نیاورد و ماموران امنیتی روز یکشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۱، به‌طور گسترده به مدارس دخترانه یورش بردند و تعدادی از دانش‌آموزان را بدون اطلاع خانواده‌هایشان دستگیر کردند. برخی مدارس نیز دانش‌آموزانی را که در تجمع‌ها شرکت داشتند، به اخراج تهدید کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان روز دوشنبه ۱۸ مهر، در خبری اعلام کرد که در برخی مدارس ایران، مدیران به بازوهای امنیتی و نظامی تبدیل شده‌اند و دانش‌آموزان معترض را به نهادهای امنیتی معرفی کرده‌اند.

کودکان دختر در ایران از لحظه ورود به مدرسه یعنی از هفت‌سالگی به اجرای قوانین مربوط به حجاب اجباری ملزم‌اند و باید مقنعه سر کنند. فعالان حقوق کودک می‌گویند اجبار حجاب برای کودکانی که در مقام تصمیم‌گیری و انتخاب نیستند، نقض آشکار حقوق آنان است و با پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک مغایرت دارد. رعایت حجاب اجباری علاوه بر این‌که حقوق دختران را پایمال می‌کند، برای سلامتی آنان نیز تبعاتی به همراه دارد؛ یافته‌های یک مطالعه میدانی در اصفهان و تهران نشان می‌دهد که بالغ بر ۷۵ درصد دختران زیر ۱۸ سال در ایران به دلیل محروم ماندن از تابش نور خورشید، فقر ویتامین دی دارند.

حجاب اجباری یکی از پایه‌های مهم و اصلی حکومت اسلامی ایران است و سران و مقام‌های حکومت بارها گفته‌اند که در صورت شکستن آن، دیگر پایه‌های حکومت نیز دوام نمی‌آورد. در جریان اعتراض‌های اخیر نیز که با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز شد، برخی مقام‌های حکومت به‌صراحت اعلام کردند که حکومت اسلامی ایران از اجرای حجاب اجباری کوتاه نمی‌آید.

امروز دیگر کمتر شهری در ایران است که در مدت خیزش مردمی اخیر، اعتراض و تجمع خیابانی در آن شکل نگرفته و نوجوانی در آن کشته نشده باشد. تهران، خوزستان، کردستان، گیلان، سیستان و بلوچستان و استان‌های آذربایجان شرقی و غربی بیش‌ترین تعداد جوانان و نوجوان کشته‌شده را داشته‌اند. علی مظفری در قوچان، مینو مجیدی در کرمانشاه، مازیار سلمانیان در رشت، فرجاد درویشی در ارومیه، میلان حقیقی در اشنویه تنها چند نام از فهرست بلند جوانان، نوجوانان و کودکان ایرانی کشته‌شده‌اند؛ فهرستی که تنها در عرض یک روز پس از جمعه خونین زاهدان افزایش قابل‌توجه اسامی آن را شاهد بودیم.

علی فدوی، جانشین فرماندهی کل سپاه پاسداران، میانگین سنی بسیاری از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های اخیر را ۱۵ سال اعلام و اذعان کرد: «غفلت از حوزه‌های تربیتی، معرفتی، تبیینی و تبلیغی باعث شد تا این عده در قربانگاه فضای مجازی و رسانه‌ای، به لقمه‌های چربی برای دشمن تبدیل شوند.»

این در حالی است که جامعه جهانی هم از فجایع روی داده در ایران آگاه شده و مدام در حال محکوم کردن نحوه سرکوب زنان، جوانان و نوجوانان ایرانی است.

شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هر روز مملو از تصاویر و ویدیوهایی از نوجوانان جان‌باخته و زخمی شده است. نیکای ۱۷ ساله هم که به گفته مادرش در تاریخ ۲۹ شهریور، با ضربات باتوم در بلوار کشاورز کشته شد و جنازه‌اش را

پس از ۱۰ روز، در حالی به خانواده تحویل دادند که فرصت خاکسپاری دلخواه را نیز از آن‌ها گرفتند، این روزها نمادی دیگر از سرکوب جمهوری اسلامی و تحریف حقیقت است.

جانیان حکومت، با گرفتن اعتراف اجباری از دایی و خاله نیکا و ساخت گزارش دروغ، مرگ نیکا را نه به دلیل شرکت در اعتراض‌ها که نوعی مرگی مشکوک به علت سقوط از پشت‌بام اعلام کنند و...

بعد از ماجراهای مهسا و نیکا در مورد سارینای ۱۶ ساله، دختر کرجی، در حال تکرار است. عوامل امنیتی حکومت اسلامی و رسانه‌های حکومتی، روز اول اعلام کردند سارینا با اسلحه جنگی گروه‌های معاند کشته شده است، تا از او کشته‌ای در نتیجه اعتراض‌ها بسازند. روایتی که همان زمان هم کسی باور نکرد؛ ولی پس از آن روایت جدیدی برای مرگ او ساخته شد، سقوط از بلندی!

سناریوی خودکشی و «سقوط از بلندی» را حکومت نه تنها پس از قتل حکومتی مهسا امینی، به کار گرفت بلکه عین همان را برای نیکا شاکرمی و سارینا نیز تکرار کرده است!

متن مصاحبه روزنامه اعتماد با مادر نیکا شاکرمی که در آن بر کشته شدن دخترش در اعتراض‌ها تاکید کرده بود با فشار وزارت اطلاعات از وبسایت و رسانه‌های اجتماعی این روزنامه حذف شد.

دختران جوان و زنان ایران با رهبری جنبش اخیر و رهبری انقلاب پیش رو به میدان آمده‌اند و حکومت اسلامی، دیگر توان این را ندارد که با دستگیری چند نفر موج اعتراض‌ها را فرو بنشاند؛ از این‌رو، ناچاراً باید در برابر این نسل و اعتراض و مبارزه هوشمندانه آن تسلیم شود.

یونیسف نیز از بازداشت دانش‌آموزان و کشتار کودکان در ایران ابراز نگرانی کرده است. کاترین راسل مدیر کل صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما به شدت نگران گزارش‌های مداوم درباره کشته شدن، زخمی شدن و بازداشت کودکان و نوجوان زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات عمومی جاری در ایران هستیم.»

کاترین راسل در ادامه افزود: «فکر ما با خانواده‌های کشته‌شدگان و مجروحان است و در غم آن‌ها شریک هستیم.» مدیر کل صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تصریح کرد: «علاوه بر آمار گزارش شده از قربانیان، بسیاری از کودکان شاهد خشونت در خیابان‌ها یا تصاویر منتشر شده در رسانه‌ها بوده‌اند که می‌تواند تأثیری درازمدت بر سلامت آن‌ها داشته باشد.»

کاترین راسل تاکید کرد: «ما درخواست آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد از مقام‌های حکومت اسلامی ایران را تکرار می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم که از استفاده از ابزارهای فشار نامناسب یا متناسب، خودداری کنند.»

سازمان پزشکی قانونی حکومت اسلامی، گزارش علت مرگ مهسا امینی را منتشر و ادعا کرده که مرگ او «ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است.»

در ادعای پزشکی قانونی آمده که مهسا امینی «در سن ۸ سالگی دچار اختلال در محور مهم هیپوتالاموس - هیپوفیز و غدد تحت فرمان آن (از جمله آدرنال و تیروئید) شده است. به علت این بیماری زمینه‌ای متوفیه تحت درمان با داروهای هیدروکورتیزون، لووتیروکسین و دسموپرسین بوده است.»

بعد از قتل مهسا توسط گشت ماموران ارشاد و کشتن و ربودن و زندانی کردن هزاران نفر در تظاهرات‌های خیابانی و اعتراضات دانشجویی و دانش‌آموزی، قتل دختر شانزده ساله نیکا شاه کرمی که در تهران و پیش خاله‌اش زندگی می‌کرد و در تظاهرات شرکت کرده بود و در خرم‌آباد با سرقت جنازه‌اش به خاک سپرده شد و مادرش در دفنش او را

«شهید» خوانده بود و خاله و داییش نیز دستگیر شدند. آن‌ها را وارد اعترافات تلویزیونی کردند. اکنون وارد مرحله دیگری شده است آتش شاکرمی، خاله نیکا، قبلاً در اینستاگرامش از ماه‌ها پیش درباره تجربه زندگی با این دختر نوجوان و چالش‌های آن در اینستاگرام می‌نوشت. و نیکا را دختری سرشار از طعم زندگی می‌دانست که داشت قدم‌به‌قدم راه‌های استقلال را برای تغییر چیدمان دیوارها طی می‌کرد. وی همچنین نیکا شاکرمی را دختری مستقل، هنرمند و شاد توصیف می‌کند که برای دنبال کردن رویاهایش و تمرین زندگی مستقل را می‌گذراند. او یک سال آخر عمر کوتاهش را با خاله‌اش در تهران زندگی می‌کرد.

نیکا شاکرمی (Nika Shakarami) متولد ۱۰ مهر ۱۳۸۴ خرم‌آباد است که گفته می‌شود یکی از معترضان نوجوان شرکت‌کننده در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران بوده است.



پدر نیکا سال‌ها پیش فوت کرده است و با مادر و خواهر بزرگ‌ترش زندگی می‌کرد، او تا سال قبل از فوت در فردیس زندگی می‌کرد و برای تحصیل و دنبال کردن رویاهایش به تهران مهاجرت کرد. او به هنر علاقه داشت و در تهران در هنرستان تحصیل می‌کرد. هم‌کلاسی او درباره نیکا چنین گفته است: «نیکا شاکرمی برونگرا بود و اهل آشتی.» پیکر بی‌جان نیکا شاکرمی دختر ۱۷ ساله‌ای که در تجمع ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در بلوار کشاورز تهران مفقود شده بود صبح روز ۸ مهرماه به خانواده‌اش تحویل داده شد.

بر اساس اطلاعات دریافت شده از یک منبع آگاه نیکا شاکرمی در تهران و با خاله‌اش زندگی می‌کرد: «او هم مثل خیلی از مردم به تجمع ۲۹ شهریور بلوار کشاورز تهران رفته بود. دوستانش که با او در تماس بودند می‌گویند در شعار دادن کم نمی‌آورده و بسیار شجاع بود.»

مادر نیکا شاکرمی: می‌خواستند از من اعتراف بگیرند و بگویند خودکشی بوده است. نسرين شاکرمی، مادر نیکا شاکرمی، در ویدئویی که از رادیو فردا پخش شده مرگ دخترش را «جنایت» خوانده و گفته که تحت فشار بوده تا اعتراف تلویزیونی بدهد. خانم شاکرمی در ویدئویی گفته می‌خواسته‌اند از صحبت‌های اجباری او استفاده کنند تا مرگ نیکا را «خودکشی» جلوه دهند.

همچنین به گزارش بی‌بی‌سی تلویزیون حکومت اسلامی ایران پنجشنبه شب ۱۴ مهر ۱۴۰۱، برنامه‌ای پخش کرده است که در آن آتش شاکرمی و محسن شاکرمی، خاله و دایی نیکا هم حضور دارند.

یک منبع نزدیک به خانواده پیش‌تر به بی‌بی‌سی فارسی گفت که آتش و محسن شاکرمی تحت بازجویی‌های شدید بوده‌اند. بر همین مبنا نیروهای امنیتی تهدید به قتل خانواده شاکرمی کرده‌اند و تحت همین فشارها، آن‌ها بارها مجبور به «اعتراف اجباری» تلویزیونی شده‌اند.

همچنین در پی انتشار تصویر جواز دفن نیکا شاکرمی که در آن دلیل فوت صدمات متعدد ناشی از اصابت جسم سخت عنوان شده، سازمان بهشت زهرا با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد تنها مرجع بررسی و تعیین علت فوت افراد سازمان پزشکی قانونی بوده و سازمان بهشت زهرا تنها پس از صدور جواز دفن از سوی پزشکی قانونی اقدام به طی مراحل تغسیل و تدفین و یا اعزام متوفی به شهرستان می‌نماید. سازمان بهشت زهرا تایید ضمنی صحت نامه را مطرح کرده و صرفاً اعلام کرده است که مرجع بررسی و تعیین علت فوت افراد سازمان پزشکی قانونی است. این در حالی است که در فیلمی که مشخص نیست شاه کرمی باشد او وارد ساختمانی شده و حکومت مدعی است که جنازه وی صبح روز بعد در همان ساختمان پیدا شده ولی فیلمی نشان داده نشده و فقط عکس جسد را نشان دادند. دستگیری خاله و دایی وی و سرقت جنازه و ندادن جنازه به خانواده و تهدید مادر و فامیل وی نشان می‌دهد که قتل وی نسبتی با مقامات حکومتی دارد ولی در این مورد هم قصد لاپوشانی قضاییه را دارند. حکومت هراس دارد نیکا شاه کرمی به یک مهسای امنیتی دیگر تبدیل شود. هر چند که هم‌اکنون هم در افکار عمومی داخل و خارج در این مورد قتل وی را محکوم و برگه‌ای از جنایات حکومت اسلامی برشمرده‌اند.

خانواده و نزدیکان پیگیری‌های بسیار زیادی برای پیدا کردنش انجام دادند، به تمامی زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، پزشکی قانونی کهریزک، پلیس و ... سرزده و استعلام کردند. تا این‌که پنج‌شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۱، وقتی برای تکمیل پرونده مفقودی او به پلیس امنیت مراجعه کردند به آن‌ها گفته شد پیکری با مشخصات مشابه در کهریزک پیدا شده و برای شناسایی بیایند.

آتش شاکرمی، خاله نیکا، در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی گفت: «علت فوت نیکا را سقوط از بلندی اعلام کردند اما برادرم مطابق تصاویری که به آن‌ها نشان داده شده گفته است شکل قرار گرفتن پیکر روی پیاده رو عادی نبود و به‌نظر نمی‌آمد که از بلندی پرت شده باشد.»

خانواده نیکا شاه‌کرمی برای شناسایی او مراجعه می‌کنند اما سرش را پوشانده و فقط اجازه دیدن بخشی از صورتش را داده بودند: «صبح که برای تحویل پیکر رفتند دیدند دماغش منهدم شده و ججمه‌اش از ضربه‌های متعدد جسم سخت و جای باتوم شکسته و متلاشی شده است.»

در این گزارش به نقل از خاله نیکا ذکر شده است که افرادی بصورت غیر رسمی با او تماس گرفته و گفته‌اند نیکا هفته اول را در اختیار اطلاعات سپاه بوده و بعد از اتمام بازجویی به زندان اوین منتقل شده است در حالی که پیگیری خانواده از زندان اوین نشان می‌دهد که او در زندان اوین نبوده است.

شایان ذکر است خانواده شاکرمی مانند بسیاری از دیگر خانواده‌ها از برگزاری مراسم منع و تهدید شده‌اند. سرپرست دادرای جنایی استان تهران درباره جزییات پرونده نیکا شاکرمی؛ دختری که احتمال ارتباط فوتش مرتبط با ناآرامی‌های اخیر مطرح می‌شود، توضیحاتی ارائه داد.

به نقل از خبرگزاری قوه قضاییه «میزان»، محمد شهریاری سرپرست دادرای جنایی استان تهران درباره جزییات پرونده نیکا شاکرمی گفت: ساعت ۷:۳۰ روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه، ساکنین ساختمانی در چهار راه امیر اکرم متوجه جسد خانم جوانی در حیاط منزل خود می‌شوند که بلافاصله موضوع را به کلانتری منطقه اطلاع می‌دهند. اکیپ‌های تخصصی صحنه به محل اعزام و متوجه می‌شوند این خانم از ساختمان مجاور به حیاط این منزل پرتاب شده است.

شهریاری با اشاره به این که «کوله پشتی» این خانم در پشت بام ساختمان مجاور کشف شد»، بیان کرد: جسد بلافاصله به‌عنوان شخص مجهول الهویه به پزشکی قانونی منتقل شد.

سرپرست دادسرای جنایی استان تهران بیان کرد: پزشکی قانونی با دستور مقام قضایی کار کالبدشکافی و اخذ نمونه‌های سم‌شناسی و آسیب‌شناسی را انجام داد.

شهریاری گفت: در آزمایش‌های کالبد شکافی و معاینه جسد، آثار شکستگی‌های متعدد در ناحیه لگن، سر، اندام‌های فوقانی و تحتانی، دست‌ها و پاها و در رفتگی لگن مشاهده شد که نشان می‌دهد فرد از بلندی پرت شده است. طبق استعلام‌های گرفته شده هم مشخص شد فرد به پایین پرتاب شده است.

او با بیان این که «در معاینات پزشکی قانونی آثار گلوله و ساچمه در بدن جسد مشاهده نشده است»، تصریح کرد: همسایگانی که جسد در آن ساختمان کشف شده اعلام کردند که ساعت ۳ بامداد متوجه صدایی شده‌اند، اما متوجه سقوط این خانم نشده‌اند.

سرپرست دادسرای جنایی استان تهران با بیان این که «سرانجام هویت جسد با نام نیکا شاکرمی ۱۷ ساله تعیین شد»، گفت: ساختمانی که کوله‌پشتی این خانم در آن کشف شد مراحل ساخت پایانی را طی می‌کرد و ۲ کارگاه تولید پوشاک در آن فعال است و کارگرانی در ساختمان مشغول کار و نگهداری بودند.

شهریاری بیان کرد: با بررسی فیلم دوربین‌های محل مشخص شد در بامداد روز حادثه خانم نیکا شاکرمی با کوله‌پشتی همراه وارد ساختمان می‌شود و زنگی زده نمی‌شود، زیرا ساختمان نیمه‌کاره بوده و درب با هل دادن باز شده است. او افزود: بررسی‌ها نشان داده است منزل خاله خانم شاکرمی در کوچه مجاور این ساختمان و ۲ پلاک بالاتر از محل کشف جسد است. هنوز انگیزه ورود این خانم به ساختمان نیمه‌کاره مشخص نشده است.

سرپرست دادسرای جنایی استان تهران، در ادامه سناریوسازی‌ها و ادعاهایش دروغین‌اش، گفت: خانم نیکا شاکرمی روز ۲۹ شهریور ماه (روز قبل از حادثه) به منزل مراجعه نکرده بود و مادرش تماس‌های زیادی با وی گرفته و درخواست کرده که به منزل خودشان یا منزل خاله‌اش مراجعه کند، اما با وجود تماس‌های زیاد خانم نیکا شاکرمی به منزل مراجعه نکرده بود.



نیروهای امنیتی پیکر نیکا شاه‌کرمی را ربوده و خاله‌اش را بازداشت کردند. بر اساس گزارشات منتشر شده، غروب دهم مهرماه استاندار لرستان و چند مقام امنیتی بلندپایه با سرپرست شاه‌کرمی مادر نیکا شاه‌کرمی دختر ۱۷ ساله جان‌باخته در اعتراضات اخیر دیدار کرده و به او اعلام کرده بودند مراسم خاکسپاری او باید در سکوت و بدون حضور افرادی به جز نزدیکانش برگزار شود.

این گفته‌ها با مخالفت مادر نیکا مواجه شده است. او به ماموران و نمایندگان حاضر در جلسه گفته است: «من او را از تهران به زادگاهش آوردم و همین‌جا او را به خاک می‌سپارم»

بعد از این گفت‌وگوها مقامات استانی به خانواده شاه‌کرمی گفته‌اند امکان بازگرداندن پیکر نیکا شاه‌کرمی با هزینه دولت و به وسیله هلیکوپتر به تهران وجود دارد اما دستور عدم خاکسپاری در خرم‌آباد «از بالا» صادر شده است.

در نهایت با عدم موافقت خانواده نیکا شاکرمی با این پیشنهادات مقامات به خانواده قول مساعد داده‌اند که می‌توانند پیکر را در آرامستان خرم‌آباد دفن کنند.

در پی مقاومت خانواده نیکا شاکرمی در برابر فشار نهادهای امنیتی برای انتقال پیکر او به یکی از روستاهای لرستان نیروهای یگان ویژه پیکر این دختر جوان را ربوده و آتش شاکرمی خاله نیکا را نیز بازداشت کردند.

آتش شاکرمی نقاش ساکن کرج و خاله نیکا شاکرمی از ابتدای مفقود شدن او در جریان اعتراضات ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۱ در بلوار کشاورز تهران نسبت به وضعیت خواهرزاده‌اش اطلاع‌رسانی کرد.

وی با انتشار پستی در حساب کاربری خود در تلگرام اعلام کرده که با توجه به برگزاری مراسم خاکسپاری نیکا شاکرمی در روز تولدش همه به آخرین تولد او دعوت هستند.

اما وقتی که خانواده برای انجام خاکسپاری به محل مورد نظر رفته‌اند نیروهای یگان ویژه به آن‌ها یورش برده و علاوه بر بازداشت آتش شاکرمی پیکر نیکا را ربوده و به مکانی نامعلوم برای دفن انتقال داده‌اند.

نسرین شاکرمی، مادر نیکا شاکرمی در واکنش به شایعات و ادعاهای حکومت و رسانه‌های حکومتی درباره جان‌باختن دخترش، توضیح داد که دخترش در روز ۲۹ شهریور در تظاهرات کشته شده و جنازه‌اش همان روز به سردخانه کهریزک تحویل داده شده است.

خانم شاکرمی در یک پیام ویدئویی برای رادیوفردا، از تهدیدها و فشارهای امنیتی می‌گوید و این‌که تحت فشار است تا روایت و سناریوی حکومت را درباره جان‌باختن دخترش تکرار کند.

نسرین شاکرمی اظهار کرد: دخترم را کشتند و مرا برای اعتراف اجباری تهدید می‌کنند.

وی فاش ساخت که برادر و خواهرش محسن و آتش شاکرمی که بازداشت شده‌اند و تحت فشار شدید مجبور به اعتراف دروغ شده‌اند.

دادستان کل حکومت اسلامی، حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، حضور دختران دانش‌آموز در اعتراض‌های خیابانی را نتیجه شبکه‌های اجتماعی دانسته است. وزیر آموزش و پرورش، یوسف نوری، نیز اعتراض‌های جوانان را همانند رهبر حکومت اسلامی به دسیسه خارجی نسبت داده و افزوده است که «دشمنان حملات خود را متوجه دانشگاه‌ها و مراکز علوم و آموزش کرده‌اند».

از آغاز اعتراض‌های جاری در ایران پس از کشته‌شدن مهسا امینی حکومت اسلامی ایران بر شدت سرکوب و دستگیری تظاهرکنندگان افزوده است و هم‌زمان برای پنهان نگه داشتن سرکوب‌ها و اعتراض‌های خیابانی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را شدیداً مسدود کرده است.

نسرین شاکرمی، مادر نیکا شاکرمی با تایید حضور نیکا در تظاهرات تهران و آتش زدن روسری‌اش می‌گوید تصویری که از صدا و سیما پخش شده «مربوط به نیکا نیست».



مادر نیکا شاکرمی به بی‌بی‌سی فارسی گفت که تصاویر پخش شده از تلویزیون ایران واضح نبوده و ممکن است «آنها از شخصی شبیه نیکا استفاده کرده باشند».

او ویدئو و روایت پخش شده از تلویزیون حکومت اسلامی ایران را رد کرد و گفت مشخص نیست که این فیلمی که پخش شده مربوط به چه زمانی بوده و افزود: «۱۰۰ درصد او را چند روز نگه داشتند».

در همین حال یک منبع نزدیک به خانواده نیکا شاکرمی هم به بی‌بی‌سی فارسی گفته که «شکل راه رفتن» دختری که در ویدئو صدا و سیما پخش شده با نیکا متفاوت است و «نیکا نیست».

روزنامه اعتماد، چاپ تهران در شماره امروز دوشنبه ۱۸ مهرماه نیز مصاحبه‌ای با خانم شاه‌کرمی منتشر کرده که او بار دیگر روایت صدا و سیما جمهوری اسلامی از مرگ نیکا را رد کرد و آن را «دروغ» خواند و گفت که «این اوج بی‌انصافی است که دختر نوجوانی کشته شود و تهمت‌های زیادی هم به او زده شود».

مادر نیکا در این مصاحبه گفته بود که انتظار داشته که «دروغ‌های زیادی درباره دختر مظلومش» مطرح شود و افزود که «این حرف‌ها زده می‌شود تا برخی از افرادی که مسئول مرگ او هستند نقش خود را انکار کنند».

یک روز پس از پخش اعترافات اجباری خاله و دایی نیکا شاکرمی از صدا و سیما حکومت اسلامی ایران، رسانه‌های این کشور امروز جمعه پانزدهم مهرماه، ویدیوی اعترافات اجباری مادر سارینا اسماعیل‌زاده را نیز پخش کردند.

ساعتی پس از آن‌که رییس کل دادگستری استان البرز در توضیح علت مرگ سارینا اسماعیل‌زاده، گفت وی «خودکشی» کرده است، تسنیم، خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران، امروز جمعه پانزدهم مهرماه، ویدیوی اعترافات مادر این دختر نوجوان ۱۶ ساله را پخش کرد؛ اعترافاتی که به گفته بسیاری از نهادهای حقوق بشر، به صورت «اجباری» گرفته شده است.

در حالی که بنا به گزارشات، سارینا اسماعیل‌زاده در جریان اعتراضات سراسری در ایران با ضربات باتوم ماموران کشته شد، اما مادر وی در ویدیوی یادشده در پاسخ به پرسش خبرنگار تسنیم می‌گوید که دخترش «خودکشی» کرده است.

مادر سارینا اسماعیل‌زاده در این ویدیوی یک دقیقه‌ای در خصوص «سوءاستفاده رسانه‌های معاند علیه نظام» ضمن تایید خبر «خودکشی» دختر خود اضافه کرد که او دختر «تیزهوشی» بوده، روی درسش تمرکز داشته و «اهل این حرف‌ها» (حضور در تظاهرات و اعتراضات) نبوده است.

از سوی دیگر، رییس کل دادگستری استان البرز، این ادعا را درباره کشته شدن سارینا اسماعیل‌زاده معترض‌شانزده ساله مطرح کرده که او نیز همچون نیکا شاکرمی از پشت‌بام سقوط کرده و جان خود را از دست داده است.

او با این ادعا که سارینا «سابقه خودکشی ناموفق با مصرف قرص داشته»، ادامه داد: «علت فوت، شوک ناشی از ضربه به دنبال صدمات و شکستگی‌های متعدد و خونریزی به واسطه سقوط از ارتفاع بوده است».

از مادر سارینا هم اعتراف اجباری گرفتند.

خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه، ویدئویی منتشر کرده است تا مرگ سارینا اسماعیل‌زاده را خودکشی گزارش کند. در این ویدئو خبرنگار تسنیم خطاب به مصاحبه‌شونده می‌گوید: «دختر شما خودکشی کرده و ضدانقلاب از این سوءاستفاده کرده است».

مادر سارینا در پاسخ می‌گوید که دخترش تیزهوش بوده و روی درسش تمرکز داشته و «اهل این حرف‌ها نبوده است».

او می‌گوید سارینا سابقه اقدام به خودکشی داشته است.

پیش از این عفو بین‌الملل سارینا اسماعیل‌زاده را به‌عنوان یکی از کشته شدگان اعتراضات ثبت کرده است.

ویدئوی مادر سارینا یک روز پس از آن پخش شد که مادر نیکا شاکرمی با انتشار ویدئویی اعلام کرد تحت فشار بوده تا بگوید دخترش خودکشی کرده است.

این نخستین بار نیست که رسانه‌های حکومتی ایران با پخش ویدئوی اعترافات اجباری مادر یک قربانی، تلاش می‌کنند روی سرکوب خشونت‌آمیز معترضان و مخالفان حکومت اسلامی سرپوش بگذارند.

همزمان با تشدید دامنه اعتراضات سراسری در ایران، پخش اعترافات اجباری زندانیان سیاسی و کنشگران مدنی و شهروندان عادی ایرانی نیز از سوی رسانه‌های حکومت اسلامی افزایش یافته است.

تلویزیون دولتی ایران شامگاه چهارشنبه ۱۳ مهر، با پخش گزارش کوتاهی از قول خاله و دایی نیکا شاکرمی، دختر ۱۷ ساله‌ای که در جریان اعتراضات اخیر کشته شد، ادعا کرد که این نوجوان با سقوط از ساختمان فوت کرده است.



در نتیجه‌گیری می‌توانیم تاکید کنیم که انتشار خبر جان‌باختن مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله‌ای که پس از بازداشت توسط گشت ارشاد نیروی انتظامی در بازداشتگاه به کما رفت، موجی از خشم در ایران ایجاد کرد.

اعتراض‌ها که در ابتدا نسبت به جان‌باختن یک دختر جوان در بازداشتگاه گشت ارشاد بود به تدریج از یک خون‌خواهی فراتر رفت و به موضوع «زن» رسید.

معترضان که ابتدا بیش‌ترشان متولدین دهه هشتاد بودند، با طرح شعار «زن، زندگی، آزادی»، موضوع زنان را به محور اصلی اعتراض‌ها تبدیل کردند.

نسل متولد دهه هشتاد، نسلی است که دسترسی‌اش به شبکه‌های اجتماعی و اطلاعات بیش‌تر از نسل‌های پیش از خود است. آن‌ها همچنین از حمایت والدین خود برخوردار هستند.

بررسی فیلم‌های منتشر شده از اعتراض‌های روزهای اولیه نشان می‌دهند که اگرچه نوجوانان و جوانان حاضر در اعتراض‌های خیابانی از نظر فکری و روشی یکسان نیستند اما روی شعار «زن، زندگی، آزادی» که بدون جهت‌گیری سیاسی است، توافق دارند.

آن‌ها که ادبیات‌شان متفاوت از نسل‌های پیش از خود است با شعار «جمهوری روسی، بیرونی با توسری»، شعار «یا روسی یا توسری» هواداران نظام تازه تاسیس اسلامی را در دهه شصت به چالش کشیدند.

متولدین دهه هشتاد در حالی برای اعتراض به اجبار حجاب به خیابان‌ها آمده‌اند که از حمایت بخش قابل توجهی از مردان برخوردار هستند.

آن‌ها همچنین زمانی سیاست‌های نظام در حوزه زنان را به چالش کشیده‌اند که بخشی از دینداران ضمن پذیرش حجاب به‌عنوان یکی از مولفه‌های دین، رعایت آن را امری فردی و شخصی دانسته و از اجبار آن حمایت نمی‌کنند. بر اساس برخی از پیمایش‌های ملی، نه تنها درصد موافقان «برخورد قاطع با بدحجابی» به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کرده است بلکه بخش قابل‌توجهی از مردم نسبت به رعایت حجاب بی‌اعتنا شده‌اند. بنابراین واقعیت بیرونی موضوع حجاب، هم برای مجموعه حاکمیت و هم برای شهروندان با دیدگاه‌های مختلف رضایت‌بخش نیست و آن‌ها باید برای برون‌رفت از این بحران چاره‌ای بیاندیشند. زیرا سرکوب دختران جوان ایرانی در روزهای گذشته نشان می‌دهد که مطالبات زنان از جمله آزادی پوشش پس از بیش از چهل و سه سال از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ کم‌رنگ نشده است. به‌خصوص اکنون دختران و زنان رهبری و مدیریت جنبش اخیر ایران را به‌عهده دارند و در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای رسیدن به یک جامعه آزاد، برابر، بدون تبعیض و استثمار مبارزه می‌کنند! چهارشنبه بیست مهر- میزان- ۱۴۰۱ - دوازدهم اکتوبر ۲۰۲۲

*دوست پسر نیکا شاکرمی با انتشار این ویدئو از آخرین روزهای باهم بودن نوشته است: «حتی نمی‌ذارن استوری بذارم، این فیلم بماند تا موقعی که زنده هستم.»

https://youtu.be/Vb_Wi8vXwaw